

درسی که از یک کودک آموختم

نامش بریر بود، معلم قرآن بچه‌ها در مسجد کوفه؛ قرآن را بسیار زیبا می‌خواند و به او سیدالقرء^۱ می‌گفتند. با شنیدن خبر آمدن امام حسین(ع) به کربلا، کوفه را رها کرد و به امام حسین(ع) پیوست. او می‌گوید: من معلم بودم اما یک کودک در کربلا درس بزرگی به من داد؛ شب هشتم محرم بود. برای آوردن آب به کنار فرات رفتم و پس از درگیری با سپاهیان عمر سعد^۲ وارد آب شدم. بسیار تشنه بودم پس دستانم را پر از آب کرده به نزدیکی دهان آوردم اما ناگهان تصویر آن دختر نه ساله در ذهنم نقش بست. سکینه، دختر امام حسین(ع)، او نیز تشنه بود اما وقتی برایش آب آوردند گفت: من آب نمی‌نوشم؛ یک کودک دیگر در خیمه تشنه است، به او آب بدهید. با خود گفتم: تو معلمی اما اکنون شاگرد خوبی باش و از آن دختر بیاموز، دیگران تشنه‌اند و تو می‌خواهی خود را سیراب کنی؟!
آب را رها کرده از فرات بیرون آمدم...



۱. سرور قاریان، کسی که در قرائت قرآن بسیار استاد است.

۲. فرماندهی سپاهیان یزید در کربلا

نویسنده:

محمدرضا سنگری

تصویرگر:

شیمای دبیری فر